

ORIGINAL ARTICLE

The Impact of The Phenomenon of Major Derivation on The Course of Interpretative Understandings of The Two Entries of Dahw And Tahw

Mahmoud Karimi¹, Khadijeh Masroor^{2*} 

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran.

2. PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran.

Correspondence:
Khadijeh Masroor
Email: m55.masroor@gmail.com

Received: 31 Mar 2023

Accepted: 17 Sep 2025

How to cite

Karimi, M. & Masroor, KH. (2025). The Impact of The Phenomenon of Major Derivation on The Course of Interpretative Understandings of The Two Entries of Dahw And Tahw. Journal of Qur'anic Interpretation and Language, 14(1), 147-164.
(DOI:10.30473/quran.2025.73056.3417)

ABSTRACT

The phenomenon of Major derivation, as an important linguistic tool in a deeper understanding of the meanings of the Quran, has played a significant role in the evolution of interpretive interpretations. Analysis of interpretive texts shows that the interpretation of the two words "dahw" and "tahw" faces many challenges in explaining the creation of the earth. Some commentators have tried to achieve a better understanding of the verses related to the creation and formation of the earth with the help of the phenomenon of major derivation, but so far the course of interpretive interpretations of the two articles "dahw" and "tahw" in the Quran and the effect of the phenomenon of major derivation (lexical substitution) on the interpretations have not been examined. Therefore, the present study seeks to discover the relationship between the use of the phenomenon of major derivation and interpretive interpretations of both entries and tries to clarify the role of this phenomenon in identifying the exact meaning of the two words. The following article, by adopting a descriptive-analytical method, has used lexical analyses to achieve this goal, and has extensively studied interpretive interpretations and the context of the verses. Research findings show that both words have common semantic components, including pushing, throwing, and moving. Over time, interpreters have gradually moved from the initial meaning of expansion to more complex concepts, including the rotational and transitional motion of the Earth and its effect on environmental conditions, which help clarify issues related to creation and human living conditions.

KEYWORDS

major derivation; Quranic interpretation; Earth's movement; Dahw; Tahw.

«مقاله پژوهشی»

تأثیر پدیده اشتقاق اکبر بر سیر برداشت‌های تفسیری دو ماده دحو و طحو

محمود کریمی^۱، خدیجه مسرور^{۲*} 

چکیده

پدیده اشتقاق اکبر به‌عنوان یک ابزار زبانی مهم در فهم عمیق‌تر معانی قرآن، نقش بسزایی در تحول برداشت‌های تفسیری ایفا کرده است. واکاوی متون تفسیری نشان می‌دهد، تفسیر دو واژه دحو و طحو با چالش‌های فراوانی در زمینه تبیین خلقت زمین روبه‌رو است، برخی مفسران تلاش نموده‌اند تا به کمک پدیده اشتقاق اکبر به درک بهتری از آیات مرتبط با خلقت و شکل‌گیری زمین دست یابند، اما تاکنون سیر برداشت‌های تفسیری از دو ماده «دحو» و «طحو» در قرآن و تأثیر پدیده اشتقاق اکبر (ابدال لغوی) بر برداشت‌ها بررسی نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد کشف رابطه میان به‌کارگیری پدیده اشتقاق اکبر و برداشت‌های تفسیری از هر دو ماده است و می‌کوشد تا نقش این پدیده را در شناسایی معنای دقیق دو واژه روشن نماید. مقاله پیش رو با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی برای نیل به این هدف از تحلیل‌های لغوی، مطالعه گسترده برداشت‌های تفسیری و سیاق آیات بهره گرفته است. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد هر دو واژه دارای مؤلفه‌های معنایی مشترکی از جمله راندن، افکندن و حرکت هستند. با گذر زمان، مفسران از معنای اولیه بسط و گسترش به تدریج به مفاهیم پیچیده‌تری از جمله حرکت دورانی و انتقالی زمین و تأثیر آن بر شرایط زیست‌محیطی روی آورده‌اند که به روشن‌سازی مسائل مربوط به آفرینش و شرایط زندگی انسان‌ها کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی

اشتقاق اکبر، تفسیر قرآن، حرکت زمین، دحو، طحو.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)،

تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام

صادق (ع)، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

خدیجه مسرور

رایانامه: m55.masroor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

استناد به این مقاله:

کریمی، محمود و مسرور، خدیجه (۱۴۰۳).

تأثیر پدیده اشتقاق اکبر بر سیر برداشت‌های

تفسیری دو ماده دحو و طحو. پژوهشنامه

تفسیر و زبان قرآن، ۱۳(۱)، ۱۶۴-۱۴۷.

(DOI: 10.30473/quran.2025.73056.3417)

۱. مقدمه

بهره‌گیری از واژگان دارای تناسب لفظی و معنایی با عنوان ابدال و یا بدل که امروزه با عنوان اشتقاق اکبر و یا ابدال لغوی از آن نام‌برده می‌شود، برای فهم برخی مفردات در میان متون لغوی (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۴۸؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۴۱۴؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵: ۴۱۲) و تفسیری دیده می‌شود (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱: ۸۱؛ فراء، ۱۹۸۰، ج ۲: ۱۱۶؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۷؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۹۹). مطالعه تفاسیر نشان می‌دهد با گذشت زمان و دور شدن از عصر نزول توجه به این پدیده برای کشف و توضیح معنای واژگان با اقبال بیشتری روبه‌رو شده است (سجستانی، ۱۴۱۰: ۳۶۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰: ۲۰۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۹۱؛ سمین، ۱۴۱۴، ج ۳: ۲۸۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۳۷ و...).

در این راستا ماده «دحو» و «طحو» به عنوان دو اصطلاح کلیدی برای شناخت مراحل شکل‌گیری کره زمین در متن قرآن، برداشت‌های تفسیری متفاوتی را به خود اختصاص داده‌اند، بسیاری از مفسران برای تبیین هر دو ماده به این پدیده توجه داشته‌اند و به‌کارگیری اشتقاق اکبر بر برداشت‌های تفسیری از هر دو ماده اثر نهاده است. به علاوه، تأثیر سیاق آیات در شکل‌گیری برداشت‌های تفسیری، موضوعی است که در آیات دربردارنده دو ماده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نیاز به یک واکاوی درباره سیر تحولات رخ داده در برداشت‌های تفسیری و میزان اثرگذاری اشتقاق اکبر و سیاق آیات برای دو ماده «دحو» و «طحو» بر این برداشتها احساس می‌شود. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ با استفاده از منابع متعدد و متنوع به تحلیل و مطالعه موضوع می‌پردازد. این تحلیل شامل بررسی لغوی و کاربردهای هر دو ماده در متون است که با توجه به پدیده اشتقاق اکبر و ارتباطات معنایی دو ماده صورت می‌گیرد، سیاق نیز در کنار واکاوی‌های لغوی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین مطالعه تحول در برداشت‌های تفسیری این امکان را می‌دهد که از رویکردهای مختلف در برداشت‌های مفسران پرده برداشته و تفاوت‌ها و اشتراکات در کنار تطبیق دیدگاه‌ها روشن‌تر شود. در این میان پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از منابع متعدد و متنوع درصدد افزودن اعتبار و دقت داده‌ها است تا نتایج قابل اعتمادتری ارائه شود.

سؤالات اساسی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. مؤلفه‌های معنایی مشترک میان دو ماده دحو و طحو چیست؟
۲. سیر برداشت‌های تفسیری این دو ماده در متون مختلف چگونه تحول یافته است؟

۳. چه رابطه‌ای میان به‌کارگیری پدیده اشتقاق اکبر (ابدال لغوی)، سیاق آیات و برداشت‌های تفسیری از هر دو ماده وجود دارد؟
این نوشتار تلاش می‌کند با استخراج و طبقه‌بندی معانی مرتبط با دو ماده دحو و طحو و شناسایی میزان همپوشانی آن‌ها به درک بهتری از معانی و برداشت‌های تفسیری مرتبط با «دحو» و «طحو» دست یابد و اهمیت اشتقاق اکبر (ابدال لغوی) را به عنوان ابزاری برای تفسیری دقیق‌تر روشن نماید.

۲. پیشینه پژوهش

مقاله بررسی سه شگفتی علمی قرآن در آیه «دحو الأرض» نوشته سید حسن حسینی کارنامی و فهیمه گلپایگانی، مجله پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۵۶: ۳۱-۵۰، ۱۳۹۶، با بررسی لغوی واژه دحو سه معنای چگونگی آفرینش اولیه، حرکت و کروی بودن را اثبات نموده و به‌کارگیری این واژه برای خلقت زمین را از جنبه‌های اعجاز قرآن برشمرده است که با پژوه حاضر در شناسایی برداشت‌های تفسیری ارائه‌شده و بررسی سیاق همچنین استفاده مفسران از پدیده اشتقاق اکبر در فرایند تفسیر همچنین بررسی واژه طحو متفاوت است.

مقاله «کاوشی در حدیث دحو الأرض» نوشته سید علی اکبر ربیع نتاج و زهرا لازری، مجله حدیث پژوهی، ش ۳۰: ۲۷۳-۲۹۴، ۱۳۹۰، به بررسی احادیث دحو الأرض در منابع شیعی پرداخته و نتیجه می‌گیرد اگرچه از دیدگاه رجالی ضعیف هستند اما مفاد آن‌ها گاه بر حرکت و گاه بر گسترش زمین دلالت دارد. بدین ترتیب تفاوت فراوانی با بحث‌های تفسیری و لغوی پژوه حاضر دارد.

مقاله «بررسی تطبیقی آیه «دحو الأرض» با نگاه تفسیری علامه طباطبایی، مراغی و بانو امین اصفهانی» نوشته سید هانیه مؤمن و زهرا قاسم‌نژاد، مجله پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۲۱: ۶۱-۷۸، ۱۴۰۰، با مقایسه دیدگاه‌های سه مفسر به این نتیجه می‌رسد مقصود از دحو الأرض از دیدگاه طباطبایی و بانو امین اصفهانی خلقت، بسط و گسترش هم‌زمان زمین است و خلقت آسمان بر زمین مقدم است درحالی‌که مراغی خلقت زمین را بر آسمان مقدم دانسته و دحو را تنها ناظر به گسترش زمین دانسته است. نگارنده به کمک آیات مرتبط با مدّ زمین نتیجه می‌گیرد، دحو صرفاً به معنای گسترش و بسط است بدین ترتیب با پژوه حاضر از لحاظ پژوهش‌های لغوی برای کشف مؤلفه‌های معنایی دحو و طحو و دسته‌بندی برداشت‌های مفسران کاملاً متفاوت است همچنان که پدیده اشتقاق اکبر نیز جایگاهی در مقاله ندارد.

۴. کاوش‌های لغوی و مفرداتی دو ماده

دحو و طحو

معنای لغوی «دحو»

ماده دحو گاه با معادل «بسط» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۸۰؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۳۳؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۳۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۳۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۸۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۰۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۳۴) و گاه همراه با عبارت «مد» و «وسع» تبیین می‌شود (زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۱: ۱۸۴). در کلامی از حضرت امیر (علیه‌السلام) (اللَّهُمَّ داحی المدحوات و ...) نیز داحی به معنای گسترنده دانسته شده است (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۶۱).

واژگان دیگری که در کتاب‌های لغت برای توضیح این ریشه مشاهده می‌شود «دفع» (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۵۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۴۰۱)، «رمی» (صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۸۰؛ ثعالبی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۲۱؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۳۴؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۸۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۱: ۱۸۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۵۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۴۰۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۳۵)، ألقى (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۴۰۱) است که به نوعی بر حرکت با شتاب (پرتاب کردن، انداختن) دلالت دارد. عبارت موجود در زیارت هفتم امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) «السَّلامُ عَلَى قَالِعٍ بَابِ خَيْرٍ وَ الدَّاحِي بِه فِي الْفَضَاءِ...» (قمی، ۱۳۸۹: ۶۶۴) مؤیدی بر معنای پرتاب کردن در این ریشه است.

خلیل و بسیاری از اهل لغت در توضیح دحو به واژه «مَدَحاه» پرداخته‌اند که نوعی اسباب‌بازی گوی‌مانند از چوب (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۸۰؛ فیروزآبادی، ج ۴: ۳۵۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۲۳؛ ثعالبی، ۱۴۱۴: ۲۷۹)، سنگ (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۲۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۴۰۲) و نیز گردو است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۵۲) که بر روی زمین می‌غلطانند که بعضی آن را بازی اهل مکه می‌داند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۲۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۵۲). از ابورافع نقل شده که حسنین (علیهماالسلام) با آن بازی می‌کردند (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۶۲).

از سویی دیگر کاربرد این ماده برای حرکت حیواناتی مانند اسب (ابوعبید، ۱۹۹۰، ج ۱: ۲۸۵؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۸۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۳۳؛ راغب، ۱۴۱۲: ۳۰۸) و شتر (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۵۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ۴۰۲) در حالت خاص (کشیده شدن و راندن) مشاهده می‌شود، در این معنا حرکت سنگریزه‌ها بر اثر باران نیز مورد توجه لغت‌نویسان بوده

هیچ اثر پژوهشی با توجه به پدیده اشتقاق اکبر اقدام به توضیح دو ماده دحو و طحو ننموده و سیر تحولات برداشت‌های تفسیری از آیات حاوی دو ماده را مورد واکاوی قرار نداده است، اگرچه مقالاتی در مورد آیه دحو الأرض و روایات آن نگاشته شده است، این پژوهش مسبوق به سابق نیست.

۳. مفهوم شناسی اشتقاق اکبر

اشتقاق اکبر عبارت است از بازگرداندن واژگانی که در بیشتر حروف اشتراک دارند به معنایی واحد است، همانند قسم و فسم که هر دو در صاد و میم مشترک و در قاف و فاء متفاوت‌اند. قسم شکستنی است که منجر به جدایی شده اما در فسم شکستن موجب جدایی نمی‌شود که به قوت و ضعف حرف قاف و حرف فاء بازمی‌گردد (آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۹).

این اشتقاق با نام ابدال لغوی نیز شناخته می‌شود (مزنی، ۱۴۳۱، ج ۱: ۳۳۷؛ ابن مالک، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۱۷؛ امین، ۲۰۰۰، ب ۲: ۴۵۱؛ صالح، ۱۹۶۰، ج ۱: ۲۱۲؛ عبدالکریم، ۱۴۲۷: ۲۳۵؛ بابتی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۹۳؛ جبر، ۲۰۰۹، ب ۲: ۱۱۰؛ ضامن، بی‌تا: ۳۸؛ نهر، ۱۴۳۱، ب ۲: ۵۵؛ یعقوب، ۱۴۱۳: ۲۱؛ شمس، ۱۳۹۱، ج ۱: ۹۳۶؛ سرور، ۱۴۲۹، ج ۲: ۹؛ خساره، ۲۰۱۸: ۶) و به روابط معنایی واژگانی می‌پردازد که یکی از صامت‌ها به صامت قریب المخرج دیگری تغییر یافته است، مانند نق و نهق، جذم و جذل در این میان گاه ترتیب حروف ثابت و گاه قلب روی می‌دهد، مانند احتم، انجم و ادهم (فرزانه، ۱۳۹۴: ۹۳).

اندیشمندان در طول تاریخ شناخت و معرفی این پدیده زبانی نام‌های متنوعی برای آن برگزیده‌اند، علاوه بر نام اشتقاق اکبر که از سده‌های میانی به بعد رواج یافته و برخی متأخران نیز بدان پرداخته‌اند (سکاکی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۵؛ جرجانی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۷؛ عینی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۶۲؛ کفوی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۸؛ صالح، ۱۹۶۰، ج ۱: ۲۱۱-۲۱۰؛ کرملی، ۱۹۳۸: ۱۳۹؛ زعبلاوی، بی‌تا، ج ۱: ۵۵۱)، اندیشمندان دیگری این ویژگی زبانی را به نام‌هایی همچون ابدال اشتقاقی (سید محمد، ۱۹۸۶، ج ۱: ۳۷؛ امین، ۲۰۰۰: ۲)، الاشتقاق اللغوی (بابتی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۰۴۸)، اشتقاق کبیر (امین، ۲۰۰۰: ۲)، تعاقب (سید محمد، ۱۹۸۶، ج ۱: ۳۷؛ صاعدی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۴؛ ۳۹۵)، قلب (ابن جنی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۸۹ و ۱۹۷ و ۲۰۰ و ۲۰۱)، مقلوب (بابتی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۰۴۸)، مضارعه و نظائر (اسمر، ۱۴۱۳: ۳۸۵) خوانده‌اند.

این تفاوت‌ها در نام‌گذاری نشانه‌ای بر نبود تعاریف مشخص، میان اهل زبان برای ویژگی‌های زبانی در ابتدای شکل‌گیری مباحث لغوی است.

در منابع لغوی نخستین برای تبیین این ریشه از واژه «ذهب» نیز بهره برده شده (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۷۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۱۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۴۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ۵۱۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۸۵). در برخی منابع حتی به معنای هلاک شدن و مردن است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۱۹)، می‌توان گفت تلقی از مرگ، به ترک کردن یک مکان، رفتن و فانی شدن که در معنای مردن وجود دارد، سببی برای این کاربرد است، مانند طائح که بدین معنا به‌کار رفته است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۲۰). برخی طحو و طهو را یکی دانسته‌اند، مانند «طهت الإبل» و «طحت الإبل» که در معنای رفتن و دور شدن است (شیبانی، ۱۹۷۵، ج ۲: ۲۱۹)، ابن درید نیز با تعبیر «بَعْدُ» به این معنا اشاره می‌کند (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۳: ۱۲۹۴) که کاربرد لازم این فعل بوده و با معنای حرکت کردن مرتبط است.

طیف دیگری از واژگان که برای ماده طحو به‌کار رفته است، شامل «دفع» (راندن) (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۷۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۱۸؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۷۴)، «رمی» در طحی بالکرة = رمی بها (افکندن گوی) (زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۸۵) و «بطح» می‌شود، به‌طور مثال طحوته = بطحته به روی بر زمین افکندم (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۱۹؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۷۴).

برخی به نوعی از زدن توجه دارند که ضارب پس از زدن فرد را به صورت بر روی زمین می‌کشد، مانند ضربته فطحوته: مدته علی الأرض (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۱۹؛ زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۸۵) و یا حالتی که فرد مضروب بر اثر شدت فشار و ضربه وارد آمده بر روی زمین افکند و کاملاً بر روی زمین پهن می‌شود (ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۱۳؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۷۴). همان‌طور که مشاهده می‌شود این معانی با یکدیگر مرتبطند.

مسیرهای معنایی دیگر برای طحو، چسبیدن به زمین طحی البعیرالی الأرض: لثق بها، به پهلوی خوابیدن طحیت: اضطجعت (شیبانی، ۱۹۷۵، ج ۲: ۲۱۹) است که می‌توان ملحق به معنای «مد» دانست.

بدین ترتیب فعل «طحو» در کاربردهای شایع خود به معنای رفتن، راندن، پرتاب کردن، افکندن و چسبیدن به زمین به‌کار می‌رود. کاربرد این واژه در معنای گسترش تنها برای زمین است، به‌طوری که حتی برخی به صراحت مقید بودن آن به گسترش زمین را بیان می‌کنند. طحو در این مسیر معنایی همانندی بسیاری به دحو یافته است.

مؤلفه‌های معنایی در طحو متنوع‌تر بوده و شامل بسط، گسترش و حرکت در قالب رفتن، پرتاب کردن و افکندن است که در بیشتر

است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۸۰؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۲۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۳۳؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۲۵۲). نمونه دیگر «أدحی» و «أدحوه» به معنای آماده کردن جایگاه تخم‌گذاری شترمرغ بوده (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۸۰؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۵۰۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۵۸؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۳۴) که با جابجا کردن و راندن سنگریزه‌ها همراه است.

بدین ترتیب از دیدگاه لغت‌نگاران عرب، «دحو» در حالت اسمی (مدحوه، مدحاه) به معنای نوعی ابزار بازی، گلوله‌ای از جنس سنگ، چوبی و یا گردو است که کودکان با غلتاندن و افکندن آن بازی می‌کنند، همچنین جایگاه تخم‌گذاری شترمرغ «أدحی و أدحیه» نام‌گذاری شده است و در حالت فعلی به معنای گستردن، راندن، پرتاب کردن و حرکت از نوع راندن در اسب و شتر به کار می‌رود. معنای گستردن برخلاف سایر موارد، مثال‌هایی خارج از مباحث مربوط به گسترش زمین ندارد و حتی در برخی موارد لغت‌شناس تنها به ذکر این معنا بسنده نموده و مثالی نمی‌آورد، به نظر می‌رسد این معنا به سبب شیوع بحث دحو الأرض و اقوال مفسران است که در ادامه مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

بنابراین مؤلفه‌های معنایی «دحو» شامل راندن، حرکت در قالب غلتاندن، پرتاب کردن، کشیدن و گسترش و آماده کردن است که می‌تواند در مواردی پیامدی ناشی از حرکت به‌شمار رود.

معنای لغوی طحو

بسیاری این ماده را با «بسط» توضیح داده (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۸۵) و به شباهت آن با دحو تصریح دارند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۷۷؛ جوهری، ج ۶: ۲۴۱۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۴۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ۵۱۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۷۴) که به دو صورت طحا یطحو طحی می‌آید (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۷۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۱۸). برخی به ابدال طاء از دال تأکید نموده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۴). گروهی «مد» را برای توصیف آن به‌کار برده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۱۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۴۵).

مصطفوی اصل معنایی را مطلق گسترش ندانسته و آن را مقید به گسترشی نموده که مربوط به زمین (در زمین و یا بر روی زمین) می‌شود. وی رابطه بین دحو و طحو را اشتقاق اکبر و طحو را نوعی از گسترش می‌داند که به آماده‌سازی مکان منتهی می‌شود، از دیدگاه مصطفوی تفاوت طحو با دحو، در ویژگی إطباق حرف طاء موجود در واژه طحو نهفته است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷: ۷۳).

۱۶: ۱۴۲۴؛ مدرسی، ج ۱۷: ۲۹۶). برخی روایات نیز این معنا را تأیید می‌نماید (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۸۱۴ و ج ۵: ۵۸۰).

در این میان برخی بسط را به‌تنهایی معنای دقیق دحو ندانسته و ترکیبی از بسط و واژه دیگری را برای تبیین معنا ارائه می‌دهند که ذیلاً بدان پرداخته می‌شود.

گسترش و آماده کردن برای زندگی «بسط» و «مهد»

مفسران از قرن ۶ به بعد این معنا را برگزیده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۹۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۴۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۷، ج ۱۴: ۱۲۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۸۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۸۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۴: ۲۸۲؛ مراغی، بی‌تا، ج ۳۰: ۳۲؛ قطب، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۸۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴: ۲۱). از دیدگاه ایشان گسترشی که سبب بروز حیات گیاهی، جانوری و سامان یافتن امور مربوط به خوراک و اسکان بر روی سطح زمین می‌گردد، معنای دقیق‌تری برای ماده «دحو» است، می‌توان گفت این برداشت، برخاسته از توجه به سیاق (أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرْعَهَا وَ الْجِبَالَ أَرْسَهَا مَتَاعًا لَّكُمْ وَ لِنِعْمِكُمْ) (النازعات/ ۳۱-۳۳) و آیات دیگر (طه/۵۳) است که به رویش گیاهان، حیات حیوانات و رفع نیازهای انسان تصریح دارند.

گستراندن و کشیدن «بسط» و «مد»

تعبیری که از سوی مفسران متقدم مطرح شده و در آثار تفسیری پسینی نیز مشاهده می‌شود (ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۴۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۲۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۱۲۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۱۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۵: ۳۴۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۲۳۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۹۰). این معنا تحت تأثیر آیات دیگر (الرعد/۳)، (الحجر/۱۹) و (ق/۷) است که مفهوم و الفاظ آن شباهت فراوانی با آیه موردنظر دارد.

گستراندن و هموار کردن «بسط» و «تسویه»

تعبیری که به ندرت برای توضیح واژه دحو به‌کار رفته و از سوی مفسران معاصر مطرح شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۸؛ جزایری، ۱۴۱۶، ج ۵: ۵۱۳).

حرکت و معانی مرتبط با آن (افکندن، پرتاب کردن، غلتاندن)

در این بخش آن دسته از معانی مورد بحث قرار گرفته که کتاب‌های لغت متقدم بدان تصریح نموده و نمونه‌هایی نیز در

موارد به سبب فشار و یا ضربه شدید ایجاد می‌شود و یکی از مصادیق آن، زدن افراد و کشیدن ایشان بر روی زمین است.

با مقایسه مؤلفه‌های معنایی طحو و دحو شباهت بسیاری در معانی ارائه‌شده مشاهده می‌شود. دو ماده در معنای گسترش «بسط»، پرتاب کردن و افکندن «القی» و «رمی» و راندن با فشار «دفع» مشترک‌اند، اما در معنای حرکت می‌توان گفت، در واژه دحو مفهوم غلتاندن و حرکت چرخشی علاوه بر حرکت انتقالی قابل درک است، در واژه طحو اگرچه هنگام پرتاب کردن گوی به فضا حرکت چرخشی توأم با حرکت انتقالی قابل تصور است اما به نظر می‌رسد به سبب شیوع بیشتر معانی رفتن، دور شدن و کشیده شدن، حرکت شدیدتر و با نیروی اولیه بیشتری صورت می‌گیرد و انتقالی بودن حرکت ملموس‌تر است.

۵. واکاوی برداشت‌های تفسیری از دو ماده

دحو و طحو

در این پژوهش کوشش شده تا تنوع موجود در خصوص معانی موردنظر مفسران و مفردات‌نگاران استخراج و به طبقه‌بندی برآمده از داده‌ها پرداخته و با مقایسه آن با معانی لغوی میزان همپوشانی آن‌ها بازشناسی شود.

دحو در تفاسیر

این واژه تنها یک‌بار در قرآن به‌کار رفته است (عبد الباقی، ۱۳۷۴: ۳۲۱).

دحا: فعل ماضی ثلاثی مجرد (وَ الْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا) (النازعات/۳۰)

بسط یافتن و معانی مرتبط با آن

در این بخش آن دسته از معانی مورد بحث قرار گرفته که به تعبیر مختلف بر معنای بسط و گسترش یافتن استوار است.

گسترش دادن / یافتن «بسط» و «انبساط»

در تفسیر «دحو» ماده بسط مورد استقبال بسیاری از مفسران قرار گرفته است. از مفسران متقدم تاکنون به‌کارگیری این معنا رواج دارد (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۷۸؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۴۳۸؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۱۲ و ج ۳۰، ۳۰: سجستانی، ۱۴۱۰: ۲۳۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۳۹۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۴۰۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۳۱۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۳۴؛ خطیب، ج

میراث روایی یافت می‌شود اما بازتاب آن‌ها در تفاسیر اندک است و می‌توان گفت در میان مفسران نخستین نادر است.

افکندن «قذف»، «رمی» و «إلقاء»

تنها نمونه پیشینی یافت‌شده تفسیر دحو به «قذف» مربوط به تفسیر عبدالله بن یحیی یزیدی (م ۲۳۷ ق) است (یزیدی، ۱۴۰۵: ۴۱۲) که می‌تواند ثمره علمی ویژه‌ای بر آیه بار نماید و در ادامه مباحث بررسی می‌شود، این تعبیر را فخررازی نیز به کار برده و نتیجه می‌گیرد دحو به معنای انتقال یافتن از مکانی و آماده نمودن است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۴۶)، همچنین برخی مفسران معاصر از «رمی» برای معنای دحو بهره برده‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۸۴؛ رضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۴۸؛ شنیطی، ۱۴۲۷، ج ۹: ۲۱). نووی نیز به این معنا از دحو اشاره نموده است (نووی، بی‌تا، ج ۳: ۱۰۴). تمام مفسرانی که این معنا را برگزیده‌اند به همانندی دحو و طحو تصریح دارند (یزیدی، ۱۴۰۵: ۴۱۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۴۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۸۴؛ رضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۴۸؛ شنیطی، ۱۴۲۷، ج ۹: ۲۱). از آنجا که این معنا از سوی اهل لغت نیز بیان شده است، به نظر می‌رسد، این برداشت تفسیری تحت تأثیر توجه مفسران به مؤلفه‌های معنایی در هر دو ماده دحو و طحو است.

ماده دحو در برخی روایات نیز به معنای افکندن آمده و به هیچ‌وجه معنای گستردن نمی‌دهد. چند مورد به صورت نمونه ذیلاً بیان می‌شود.

در روایتی، امام صادق علیه‌السلام از دست فردی پرستویی (خطاف) را که ذبح کرده بود، گرفته و بر زمین می‌افکند «نَحْنُ قُعُودٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ مَرَّ رَجُلٌ بِيَدِهِ خُطَافٌ مَذْبُوحٌ، فَوَثَبَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى أَخَذَهُ مِنْ يَدِهِ، ثُمَّ دَحَا بِهِ إِلَى الْأَرْضِ...» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۲: ۱۴۹).

دو روایت دیگر که به ماجرای فتح خیبر اشاره دارد «...أَخَذَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِيَمَانِهِ فَدَحَا بِهِ أَدْرَعًا مِنَ الْأَرْضِ» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۲۸) و «...فَقَالَا يَا أَبَا الْحَسَنِ وَاللَّهِ لَا يَفُكُهُ مِنْ عُنُقِهِ إِلَّا مَنْ حَمَلَ بَابَ خَيْبَرَ بِفَرْدٍ يَدٍ وَدَحَى بِهِ وَرَاءَ ظَهْرِهِ وَحَمَلَهُ فَجَعَلَهُ جِسْرًا» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۸۴) که حضرت با دست خویش در خیبر را از جای کنده و با فاصله بر زمین می‌افکند. البته روایت دوم ماجرای گشودن حلقه‌های آهنی از گردن خالد است که به یادآوری خیبر پرداخته و از حضرت درخواست می‌شود که زنجیر آهنی را از گردن خالد بردارد و حضرت در نهایت این کار را با دستان مبارکش انجام می‌دهند.

مورد دیگر، به از جای کندن و افکندن سنگی بزرگ با دستان مبارک حضرت امیر علیه‌السلام بازمی‌گردد که برای دستیابی به آب است «...وَضَعَ أَصَابِعَهُ تَحْتَ جَانِبِ الصَّخْرَةِ فَحَرَّكَهَا ثُمَّ قَلَعَهَا بِيَدِهِ وَ دَحَا بِهَا أَدْرَعًا كَثِيرَةً فَلَمَّا رَأَتْ مِنْ مَكَانِهَا ظَهَرَ لَهُمْ بَيَاضُ الْمَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱: ۲۶۱).

در روایتی نیز ظاهراً پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) به سوی یکی از صحابه گلابی می‌افکند «...وَفِي يَدِ رَسُولِ اللَّهِ سَفَرَجَلَةٌ فَدَحَا بِهَا إِلَيْهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۳: ۱۶۷). همانطور که مشاهده می‌شود، در تمام موارد از واژه دحا استفاده شده که بیانگر کاربرد این معنا برای ماده دحو در عصر نزول است.

همچنین عبارت موجود در زیارت هفتم حضرت امیر علیه‌السلام نیز که قبلاً اشاره شد به همین معنا توجه دارد. حتی ابن ابی الحدید یکی از احتمالات معنای واژه «مَذْحُوَّةٌ» موجود در عبارتی از خطبه حضرت امیر علیه‌السلام در مورد زمین «سَكَنْتِ الْأَرْضُ مَذْحُوَّةً فِي لُجَّةٍ تِيَارٍ...» را «مذوفه» دانسته است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶: ۴۳۷).

این تلقی از دحو حتی بار فقهی یافته و در مباحث مربوط به مسابقه و پرتاب سنگ (وزنه) مورد توجه علماء از گذشته تاکنون قرار گرفته است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۲۹۱؛ حلی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۵۴؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۳۱: ۲۵۹). در میان اهل سنت نیز احکام مربوط به این مسابقه نقل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۲۸)، نکته مهم مرسوم بودن این بازی و کاربرد ماده دحو در این معنا است.

انتقال دادن و بردن (إزالة)

معنایی که در میان پیشینیان دیده نشده و از قرن ۵ به بعد این معنا البته به ندرت در میان مفسران و مفردات‌نگاران رواج یافته است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۰۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۴۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۸۹؛ اسکندرانی، ۲۰۱۰، ج ۱: ۳۲۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰: ۸۹). این معنا مؤیدی بر دلالت واژه دحو برای حرکت زمین است.

حرکت، حرکت دورانی «دحرجه»

اگرچه در کتاب‌های لغت از دحو برای نوع خاصی از حرکت حیوانات، گوی‌های بازی و سنگریزه‌ها در اثر بارش باران مشاهده می‌شود، اما از سوی مفسران نخستین برای تفسیر ماده «دحو»

وجود دارد، روایتی در تحف العقول است که با لفظ «یدحون» آمده (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵) و همان روایت با لفظ «یدحرجون» نیز نقل شده است (نک: ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵؛ قمی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۶۵۳؛ بی‌تا: ۲۸۳) که با صرف‌نظر از نقل به معنا بودن روایت، دلالت بر هم‌پوشانی این دو واژه در معنا می‌نماید.

برداشت‌های آزاد و اجتهادی

در این بخش معانی که با داده‌های لغوی هماهنگی ندارد و خاستگاه آن خوانش اجتهادی مفسر از متن است، مورد بررسی قرار گرفت.

شکافتن و کشاورزی کردن (دحو)

این تعبیر در میان مفسران از قرن ۴ به بعد با بسامد اندکی برای تبیین واژه دحو استفاده شده (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰: ۳۰؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸۵؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۱۹۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۲۰۵؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹، ج ۲: ۳۳۷) که تا قرن ۹ ادامه می‌یابد و پس از آن مفسران بدان نپرداخته‌اند. در واقع «دحو» به معنای کشاورزی کردن و یا شکافتن مبنایی در کتاب‌های لغت نیز ندارد. به نظر می‌رسد، این معنا ناشی از درک مفسر نسبت به آیه بعدی ﴿أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعِيهَا﴾ (النازعات/۳۱) و آیه ﴿إِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا﴾ (عبس/۲۶-۲۵) است. مفسر با مطرح شدن خروج آب و رشد گیاهان در این آیات بدین نتیجه می‌رسد که دحو نوعی شکافتن زمین برای دستیابی به آب و کشاورزی محسوب می‌شود.

هموار کردن (تسویه)

نمونه دیگری از تأثیر تحلیل‌های اجتهادی معنای سامان دادن و هموار کردن (تسویه) است. مفسران از قرن ۵ به بعد از این تحلیل بهره برده‌اند، ماوردی آن را یکی از احتمالات دانسته (ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۱۹۹) و دیگران این معنا را برگزیده‌اند (ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹، ج ۲: ۳۳۷؛ صابونی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۴۸۸). برخی با آوردن لفظ «قیل» سعی در القای عدم اعتبار آن داشته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ۲۰۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۳۹۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۲۳۵). باید گفت این نوع تحلیل ناشی از مفاد آیات بعد است که به فراهم شدن شرایط مناسب برای زندگی گیاهی، جانوری و انسانی پرداخته است.

طحو در تفاسیر

این واژه تنها یک‌بار در قرآن آمده است (عبد الباقي، ۱۳۷۴: ۵۳۹).

استفاده نشد و معاصران گاهی مجمل (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۴۹۳) و گاه مفصل بدان پرداخته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰: ۹۱؛ رضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۹۰؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۰۵؛ انصاریان، بی‌تا، ج ۵: ۱۰۹؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۳۲؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۲۶۲). می‌توان گفت خاستگاه آن دقت مفسر و تحلیل وی از معانی لغوی، توجه به هم‌پوشانی معنایی میان دو ماده دحو و طحو، مثال‌ها و کاربرد آن در امور زندگی و برخی متون، علاوه بر شواهد علمی است که در عصر حاضر کشف شده است.

یکی از نمونه‌های شاخص تحلیل لغوی «دحو» به حرکت دورانی در تحلیل بازی با گوی‌هایی از جنس سنگ، چوب و یا گردو است که در توضیحات خلیل و دیگران بدان اشاره شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۲۸۰؛ فیروزآبادی، ج ۴: ۳۵۸). در این بازی چند مؤلفه وجود دارد؛ پرتاب شدن گوی‌ها، حرکت چرخشی و انتقالی که توأمان بروز می‌کند. تمام این موارد به‌عنوان بار معنایی این ماده از سوی مفسر و مفردات نگار به عنوان معنای اصلی استخراج می‌شود، برخی در عین تصریح به این تحلیل از هم‌پوشانی معنایی بین دو ماده دحو و طحو نیز یاد می‌کنند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰: ۸۹؛ انصاریان، بی‌تا، ج ۵: ۱۰۹) که نشانه‌ای بر اثرگذاری آن در برداشت تفسیری است.

ایشان دو نوع شاهد روایی نیز ذکر می‌کنند، ابتدا شاهد روایی که درصدد اثبات معنای حرکت دورانی (غلتاندن) برای دحو است و شاهد دیگر برای اینکه معنای دحو دقیقاً بسط نیست، مانند ﴿فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْضَ دَحَاها مِنْ تَحْتِ الْكَعْبَةِ ثُمَّ بَسَطَهَا عَلَى الْمَاءِ﴾ طبق متن روایت دحو غیر از بسط است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰: ۸۹؛ انصاریان، بی‌تا، ج ۵: ۱۰۹). گویا ابتدا دحو اتفاق افتاده سپس گسترش (بسط) یافته و گسترش نتیجه دحو و مترتب بر آن است. البته سخنی از پیامبر نیز وجود دارد که بسط در آن غیر از دحو است ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ فَبَنَاهَا، وَ بَسَطَ الْأَرْضَ فَدَحَاهَا﴾ (طبری، ۱۴۱۳: ۸۹). تنها تفاوتی که سخن پیامبر با حضرت امیر علیه‌السلام دارد در ترتیب این دو پدیده است. در این مورد حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ابتدا بسط را بیان نموده که گویا دحو نتیجه بسط است. می‌توان گفت نکته در آن است که سخن حضرت امیر (علیه‌السلام) در مورد چگونگی خلقت است پس ابتدا دحو را ذکر نمود اما سخن حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مقام حمد و شکر است پس سودرسانی موردنظر است.

شاهد دیگری که برای تقویت معنای «دحو» برای «دحو»

به بعد برای طحو ارائه شده «گستردن» و «توسعه دادن» است (سجستانی، ۱۴۱۰: ۳۱۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۸۵؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۵۹۵؛ صفدی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۶۲؛ ابن هائم، ۱۴۲۳: ۳۴۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۷۴). برخی تصریح می‌کنند وسعتی مدنظر است که امکان بهره بردن را فراهم نماید (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۸۵؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۵: ۴۱۲).

تعبیر دیگری که می‌توان ملحق به همین معنا دانست «مد» و یا ترکیب «بسط» و «مد» است این ترکیب نیز در تفاسیر قرن ۶ به بعد رواج یافته (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰: ۲۹۴؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۴۸۶؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۰۷؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۱۱۱۴) که با یافته‌ها در بررسی‌های لغوی هماهنگ است.

گستردن و آماده کردن «بسط» و «مهد»

گروهی از مفسران پسینی ترکیب بسط و مهد را برای تبیین واژه طحو ارائه نموده‌اند (فیضی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۲۹۲؛ مراغی، بی‌تا، ج ۳۰: ۱۶۸؛ قطب، ۱۴۲۵، ج ۶: ۳۹۱۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۸: ۱۳۵)، می‌توان ترکیبی که ابن عاشور برگزیده (بسطها و توطئتها) را بدان ملحق نمود (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۲۵). این دسته از مفسران طحو را ناظر به مرحله‌ای از تکوین زمین می‌دانند که قابلیت سکونت برای انسان کاملاً مهیا شده است که ناظر بر آیات ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ سَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَ أُنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى﴾ (طه/۵۳) و ﴿وَ الْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ﴾ (الذاریات/۴۸) و... است.

گستردن و رفتن «بسط و ذهاب»

مفسران از قرن ۵ به بعد هنگام برشمردن معانی طحو از مصرع «عَلَقَمَةُ بْنُ عَبْدِ الْفَحْلِ»^۱ «طحا بك قلب فی الحسان طروب» به‌عنوان شاهی برای معنای رفتن «ذهاب»، آورده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۵۳؛ ابن‌ادریس، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۸۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۴۸۴؛ ابن‌عادل، ۱۴۱۹، ج ۲۰: ۳۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۵۹؛ شنبیطی، ۱۴۲۷، ج ۹: ۲۰) اگرچه تأثیری بر برداشت تفسیری ایشان نداشته است. طحو در این شعر کاربردی استعاری یافته است که خود تأییدی بر کهن بودن این واژه است.

می‌توان گفت راغب تنها مفسر از سده ۶ است که این معنا را برای تفسیر آیه کارآمد می‌داند (راغب، ۱۴۱۲: ۵۱۷). برخی از متأخران نیز بدان اشاره نموده (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۵۴۶) و به کار گرفته‌اند

طحا: ماضی ثلاثی مجرد (وَ الْأَرْضَ وَ مَا طَحَاهَا) (الشمس/۶)

گستردن و معانی مرتبط با آن

در این بخش آن دسته از برداشت‌های تفسیری که با تعبیر مختلف بر معنای بسط و گسترش یافتن دلالت داشته، ارائه می‌شود.

گسترش یافتن «بسط»

تفسیر «طحو» به گستردن «بسط» از سوی زید بن علی، مقاتل و ابن‌قتیبه از مفسران متقدم مطرح شده و اقبال بسیاری میان مفسران سده‌های بعد تاکنون داشته است (زید بن علی، ۱۴۱۲: ۳۹۲؛ مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴: ۷۱۱؛ ابن‌قتیبه: ۴۵۶؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۰۰؛ یزیدی، ۱۴۰۵: ۴۱۲؛ طبری، ج ۳۰: ۱۳۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۸۵؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۲۸۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۱۷۶؛ نسفی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۵۲۸؛ عز بن عبدالسلام، ج ۲: ۳۶۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۳۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۳۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۲۹۷). برخی روایات نیز این معنا را تأیید می‌نمایند (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۸۱۴ و ج ۵: ۵۸۰).

برای این ماده نیز برخی به معنای ترکیبی روی آورده و در کنار بسط واژه‌های دیگر با معنایی نزدیک به آن، برای توضیح بیشتر و دقیق‌تر به‌کار برده‌اند که تحت‌تأثیر آیات دیگر و گاه روایتی در این خصوص است که ذیلاً بدان پرداخته می‌شود.

گستردن و صاف و هموار کردن «بسط» و «تسطیح»

تفسیر طحو با این ترکیب، در تفاسیر قرن ۶ به بعد یافت می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۵۵؛ خازن، ۱۴۱۵، ج ۴: ۴۳۲؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵، ج ۴: ۵۴۱؛ کاشانی، ۱۳۰۰، ج ۱۰: ۲۵۹؛ کفوی، بی‌تا، ج ۱: ۵۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷: ۷۸؛ جزایری، ۱۳۸۸، ج ۵: ۴۳۱؛ حائری‌تهرانی، ۱۳۳۸، ج ۱۲: ۱۵۶؛ مکارم، ۱۴۲۱، ج ۲۰: ۲۳۴؛ سید کریمی حسینی، ۱۳۸۹: ۵۹۵)، در تأیید این برداشت می‌توان گفت مؤلفه معنایی ارائه‌شده در کتاب‌های لغت برای واژه «سطح» هم‌پوشانی بسیاری با معنای طحو دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۲۹؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۷۵؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۷۵). همچنین روایتی از حضرت امیر علیه‌السلام، این رابطه معنایی را حمایت می‌کند (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۸۴) و آیه «وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (الغاشیه/۲۰) که بر هموار شدن زمین اشاره دارد، انتظار آن است در آثار تفسیری با استقبال روبه‌رو شود اما داده‌ها اثرگذاری اندکی را نشان می‌دهد.

گستردن و فراخی «بسط» و «توسعه»

تعبیر دیگری که از سوی برخی مفسران و علماء سده‌های میانی

۱. شاعری از عصر جاهلیت. الشعر و الشعراء، ۱۴۲۳، ج ۱: ۲۱۵؛ جوادعلی، ۱۴۲۲، ج ۱۶: ۲۵۶.

(صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰: ۳۳۲؛ مکارم، ۱۴۲۱، ج ۲۰: ۲۳۴).
حرکت و معانی مرتبط با آن افکندن «قذف»، راندن «دفع» و غلتاندن «دحرجه»

ماده طحو همانند دحو در برخی برداشت‌های تفسیری به نوعی حرکت اشاره دارد، همان‌طور که در قسمت پژوهش‌های لغوی روشن شد، بررسی‌های واژگانی نیز این معنا را تقویت می‌نماید.

افکندن «قذف» و «رمی»

همانند ماده دحو تنها مفسری که از تعبیر قذف برای تفسیر طحو بهره برده عبدالله بن یحیی یزیدی (م ۲۳۷ ق) است (یزیدی، ۱۴۰۵: ۴۱۲)، رمی نیز در میان برداشت‌های تفسیری از واژه طحو اقبال‌چندانی نداشته است. فیروزآبادی در بصائر به بررسی واژه‌های طحو، طرح و طرد پرداخته که در همه موارد افکندن وجود دارد (فیروزآبادی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۹۹). صادقی تهرانی این معنا را پسندیده و دلیلی بر حرکات زمین می‌داند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۸۴).

راندن «دفع» و حرکت دورانی «دحرجه»

داده‌ها نشان می‌دهد در این بخش نیز همانندی در برداشت‌های تفسیری از دحو و طحو وجود دارد اگرچه نمونه‌های یافت شده از این معادل (دفع) برای ماده طحو بسیار نادر و تنها در برخی تفاسیر معاصر است، داده‌های علمی در عصر حاضر علاوه بر تحلیل‌های لغوی برخی مفسران معاصر را بر آن داشته که چنین برداشت تفسیری از ماده طحو ارائه نمایند و به حرکت انتقالی و وضعی زمین بپردازند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۱۱۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳۰: ۸۹؛ معرفت، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۶۶؛ میدانی، ۱۳۶۱، ج ۳: ۳۱۶؛ مصطفی مسلم، ۱۴۲۶، ج ۱: ۱۸۰؛ مکارم، ۱۴۲۱، ج ۲۰: ۲۳۴). این معنا در میان لغویان متقدم رواج داشته است که در بخش بررسی لغوی همین نوشتار بدان پرداخته شد. به نظر می‌رسد بی‌اعتنایی مفسران به این معنا به سبب عدم درک ایشان از معنای راندن «دفع» برای زمین است.

برداشت‌های آزاد و اجتهادی

در این بخش معانی که با داده‌های لغوی هماهنگی ندارد و خاستگاه آن خوانش اجتهادی مفسر از متن است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تقسیم کردن «قسم»

این تعبیر میان تفاسیر متقدم دیده نشد، اما از قرن ۴ به بعد به نقل از

ابن عباس در تفاسیر جای بازنموده و به‌عنوان یکی از اقوال و یا حتی برداشت اصلی ارائه شده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰: ۱۳۴؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۳۴۳۶؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹، ج ۱۲: ۸۲۹۳؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۵: ۱۴۵؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۲۸۳؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹، ج ۲: ۳۶۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۳۹۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۳۵۶)، در میان متأخران با بسامد اندکی و به‌صورت "قیل" مطرح شده است (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۵۴۶؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰، ج ۷: ۴۱۹). از آنجاکه این معنا هیچ تأیید لغوی ندارد، ناشی از درک مفسر از آیات دیگر در مورد زمین است.

آفریدن و آفریده «خلق» و «ما خلق»

نمونه‌ای دیگر از خوانش اجتهادی مفسر معنای آفرینش (خلق) و آفریده (ما خلق) است که این معنا از سوی ابن عباس در تفاسیر روایی از سده ۴ به بعد به عنوان یکی از اقوال بیان‌شده (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰: ۱۳۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۱۳؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۲۸۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۳۹۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۳۵۵) و بدون حمایت لغوی به تدریج به تفاسیر ادبی نیز راه یافته است (مکی بن حموش، ۱۴۲۹، ج ۱۲: ۸۲۹۳؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹، ج ۲: ۳۶۰؛ ابن عادل، ۱۴۱۹، ج ۲۰: ۳۶۱). آنچه از زمین خارج می‌شود اعم از آب، گیاهان و معادن که سبب ایجاد حیات برای مخلوقات است، احتمال دیگری از سوی ماوردی است (ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۲۸۳) که می‌تواند به این معنا ملحق شود.

این معنا با توجه به خلاقیت مفسر و تحلیل وی از تقابل واژه «طحا» با «بنا» در آیه ﴿وَالسَّمَاءَ وَ مَا بَنَاهَا﴾ (الشمس/۵) به این معنا دست یافته است. بدین‌صورت که آیه قبل قسم به بنا و آفرینش آسمان آمده اینجا نیز قسم به آفرینش زمین است و مقصود از طحو همان آفرینش و به نوعی بنای زمین است که با واژه اختصاصی طحو برای زمین آمده است همچنین در آیه ﴿أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا﴾ (الذاریات/۲۷) از تقابل «خُلِقَ» با «بنا» نتیجه می‌گیرد، مقصود از «بناها» همان آفرینش است.

جمع‌بندی دیدگاه مفسران

این پژوهش ادعای بسیاری از مفسران مبنی بر هم‌پوشانی معنایی بین دو واژه دحو و طحو (فراء، ۱۹۸۰، ج ۳: ۲۶۶؛ یزیدی، ۱۴۰۵: ۴۱۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰: ۱۳۴؛ ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۷: ۳۴۳۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۵۸؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹، ج ۱۲: ۸۲۹۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱، ۱۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۳۹۹؛ ابوحیان،

۶. واکاوی سیاق

سیاق آیه (وَ الْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ نَحَاها) (النازعات/۳۰) و تطبیق با دیدگاه لغویان و مفسران

سوره نازعات ناظر به مسائل معاد است. آیه مورد بررسی در سیاق آیاتی است که به بیان نمونه‌هایی از مظاهر قدرت خداوند سبحان در آفرینش آسمان و زمین و امور مربوط به آن است، آیات در مقام پاسخگویی به اشکال و باور نداشتن رستاخیز از سوی مشرکان است. مشرکان در آیات (يَقُولُونَ أَءَنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ أَعْدَا كُنَّا عِظَامًا نَخْرَةً) (النازعات/۱۰-۱۱) می‌گویند: آیا ما [پس از مرگ] به همان حالت اول [که در دنیا بودیم] بازگردانده می‌شویم؟ [شگفتا!] آیا زمانی که ما استخوان‌های پوسیده و ریزریز شدیم [باز می‌گردیم؟!]. (النازعات/۱۰-۱۱)

پرسشی که همواره منکران معاد مطرح می‌کنند و در آیات متعدد به آن اشاره شده است (الإسراء/۴۹ و ۹۸)، (المؤمنون/۳۵ و ۸۲)، (الصافات/۱۶ و ۵۳) و (الواقعه/۴۷) چرا که از دیدگاه ایشان بازگشت حیات به استخوان پوسیده امکان‌پذیر نیست.

آیات ۲۷ تا ۳۳ سوره مبارکه النازعات منکران را مخاطب قرار داده و به پرسش ایشان در ضمن بیان نمونه‌هایی از قدرت الهی پاسخ می‌دهد.

(ءَ أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنِيهَا رَفَعَ سَمَكُهَا فَسَوَّيَهَا وَ أَعْطَشَ لَيْلَهَا وَ أَخْرَجَ ضَحِيهَا وَ الْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرْعِيهَا وَ الْجِبَالُ أَرْسِيهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ) (النازعات/۲۷-۳۳)

پاسخگویی با پرسشی توبیخی از مخاطبان منکر این حیات مجدد آغاز می‌شود، دشواری آفرینش انسان نسبت به آسمان‌ها پرسیده شده و در ادامه به توضیح مظاهر قدرت الهی در آفرینش می‌پردازد. در این آیات ابتدا خلقت آسمان و بنای آن، بالا بردن سقف، تسویه و ایجاد شب و روز مطرح شده سپس به مسئله دحو می‌پردازد که مقصود پژوهش حاضر است اما برای درک معنای دحو نیاز به بازخوانی آیات است.

با دقت در واژگان به کار رفته باید گفت تمام موارد از دید ناظر زمینی مطرح می‌شود زیرا واژه سمک برای ناظری است که از پایین به بالا می‌نگرد و ارتفاع را می‌بیند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۹۶). هرگاه ناظری از بالا به پایین بنگرد عمق را درک می‌نماید (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۵۸). به این ترتیب واژه سمک برای ما روشن می‌کند ناظر روی زمین است در نتیجه شب و روز که آیه به آن اشاره دارد همان درکی است که

۱۴۲۰، ج ۱۰: ۴۸۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۵۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۲۵؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۲۹۷) را اثبات می‌کند، این همانندی در معنای گستردن «بسط» و معنای ملحق به آن بیشترین نمود را یافته و به صورت فراگیر در هر دو واژه مورد توجه مفسران قرار گرفته است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، معانی راندن، افکندن که به نوعی حرکت اشاره دارند، کمتر مورد اقبال مفسران است؛ با آنکه از دقت در مثال‌ها روشن می‌شود این معانی در هر دو واژه دحو و طحو سابقه طولانی‌تری در کاربردهای روزمره عرب داشته است. به‌طور مثال برای واژه دحو بازی کودکان با گوی‌ها که شامل افکندن و راندن آن‌هاست، قبل از نزول قرآن در میان عرب شایع بوده و پس از اسلام در مورد حکم فقهی آن پرسش می‌شود. همچنین کاربرد آن برای جابه‌جایی‌شن‌ها هنگام باران شدید و لانه‌سازی شترمرغ و نوع خاصی از حرکت اسب‌ها و... را نمی‌توان به عصر نزول اختصاص داد. در مورد طحو نیز مصرع مشهور «طحا بك قلب في الحسان طروب» که در دوران جاهلیت سروده شده و کاربردی استعاری از طحو در معنای رفتن به‌شمار می‌رود که نشانه‌ای از کهن بوده این ریشه است. همچنین نوعی از زدن و یا حالت خاصی از قرار گرفتن شتر را نمی‌توان معنایی نواخته در زمان نزول دانست و البته همین مثال‌ها نشان می‌دهد منحصر بودن کاربرد دحو و طحو برای گستردن زمین، بازتابی از برداشت‌های تفسیری است، به هر حال معنای رفتن، هرچند از نظر کاربرد در رتبه بعد قرار می‌گیرد، اما تفاسیر اندکی پیامد علمی این معنا را مورد توجه قرار داده‌اند، درحالی‌که انتظار می‌رفت از این دستاورد برای تبیین آیات مرتبط به حرکت زمین بهره‌برداری بیشتری صورت گیرد.

در هر دو ماده (دحو و طحو) برخی از برداشت‌های تفسیری تأیید منابع لغوی را ندارند، اما این موارد یکسان نیستند، برای دحو، تعبیری مانند شکافتن «شق»، کشاورزی کردن «حرث» و سامان دادن «تسویه» و برای طحو، تقسیم کردن «قسم»، آفرینش زمین و مهیا کردن شرایط حیات «خلق» و معنای ملحق به آن ناشی از برداشت‌های آزاد، تحلیل‌ها و بهره‌گیری از ذوق و اجتهاد مفسر است که منجر به دور شدن از لغت می‌گردد؛ اما این موارد بسیار اندک بوده و ورود آن به تفاسیر در عصر تدوین، می‌تواند ناشی از دور شدن از عصر نزول و اینکه معنای ارائه شده از سوی اهل لغت با توجه به سیاق از دیدگاه مفسر واضح نبوده، بنابراین برداشتی آزاد و بر اساس استنباط شخصی ارائه نموده است.

نکته کلیدی و در فهم بهتر معنای دحو و حلقه وصل ارتباط در این آیات ذکر شب و روز است که از سویی دلالت بر وجود خورشید و مدرکی برای وجود جو اطراف کره زمین است و از سوی دیگر اشاره‌ای بر حرکت دورانی زمین است، با حرکت دورانی امکان بالقوه تشکیل شب و روز، بالفعل شده و در نهایت سببی برای رشد گیاه و زندگی جانوری و انسانی می‌شود، زیرا در صورتی که زمین ساکن بود حتی با وجود خورشید و مولکول‌های هوا شب و روزی ایجاد نمی‌شد و آن قسمت رو به خورشید، همیشه روز و سمت دیگر همیشه شب بود، در این صورت گیاهان شرایط مناسب برای رشد را نداشتند.

آیات سوره شمس و تطبیق با دیدگاه لغویان و مفسران

﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّيَهَا وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّيَهَا وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَيْهَا وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَّيَهَا﴾ (الشمس ۱-۶)
 سوغندهای پی‌درپی موجود در این آیات به اهمیت تزکیه نفس و الهام الهی برای درک نیک و بد و راهی جهت رستگاری و عاقبتی نیکو تأکید می‌نماید. در این آیات تقابل‌های روشنی میان خورشید و ماه، شب و روز و آسمان و زمین مشاهده می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ۳۲۸).

همچنین آیات دویه‌دو باهم در ارتباط هستند، بدین‌صورت که خورشید و نورش ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾ با روز و تجلی آن ﴿وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّيَهَا﴾ و ماه ﴿وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّيَهَا﴾ با شب ﴿وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ مرتبط بوده و از سوی دیگر خورشید و ماه ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾ و القمر ﴿وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّيَهَا﴾ از مقوله آسمان و بنای آن ﴿وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَيْهَا﴾ و روز و شب ﴿وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّيَهَا وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ مقوله‌ای زمینی ﴿وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَّيَهَا﴾ است، چراکه ناظر زمینی شب و روز را حس می‌کند، در فضای بدون جو شب و روز معنا ندارد. در این سیاق نیز به جهت ذکر روز و شب، حرکت دورانی زمین روشن است، بدین ترتیب یکی از مؤلفه‌های معنایی طحو که به تأیید لغوی حرکت و راندن بود با سیاق اثبات می‌گردد، معنای رفتن و دور شدن نیز در واژه طحو به حرکت انتقالی زمین توجه دارد، همچنین اتفاقاتی که در اثر جریان‌های چرخ‌زادی بر روی خشکی‌ها و آب‌های سطح زمین رخ می‌دهد مورد توجه است که با دستاوردهای زمین‌شناسی مطابقت دارد (اسدیان فلاحیه، ۱۳۹۰: ۴).
 بدین‌ترتیب، طحو زمین در تقابل با بنای آسمان است و شکل‌گیری زمین به‌گونه‌ای که مناسب برای سکونت انسان است، با اصطلاح طحو مطرح شده است، ادامه آیات اگرچه به مقوله نفس و

ناظر زمینی به این دو مقوله داشته و به گفته برخی تنها مطلق شب و روز نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۹۰) همچنین اگر مقصود مطلق شب و روز است، این سؤال مطرح است آیا مشرکان زمان پیامبر درکی از مطلق شب و روز داشته‌اند؟

نکته دیگری که با بیان شب و روز روشن می‌شود، وجود خورشید و ماه است که به دور از انتظار نیست، زیرا قبلاً به خلقت آسمان تصریح نموده و خورشید و ماه از مقوله آسمان هستند.

در ادامه به دحو زمین توجه می‌نماید که پس از خلقت آسمان و تسویه آن است و به دنبال دحو شرایط برای زندگی و حیات گیاهان، جانوران و انسان روی کره زمین مناسب می‌شود ﴿أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعِيَهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾ (النازعات ۳۱-۳۳). مؤلفه‌های معنایی دحو در بررسی‌های واژگانی شامل راندن، افکندن و حرکت دورانی بود که آیات مربوط به شب و روز همین معنا را تقویت می‌کند، زیرا تنها با حرکت وضعی زمین می‌توان شب و روز را تصور نمود و همچنین روز و گسترش یافتن نور خورشید که با تعبیر ضحی از آن یاد شده اشاره به وجود جو در اطراف کره زمین دارد زیرا بدون جو امکان شکل‌گیری پدیده روز نیست. انعکاس نور با کمک مولکول‌های هوا روشنایی را ایجاد می‌کند که از آن تعبیر به روز می‌شود، در صورتی که اتمسفری وجود نداشت یا میزان تراکم آن مناسب نبود روز نیز ایجاد نمی‌شد (هرکدام از لایه‌های اتمسفر برای ادامه حیات بر روی زمین ضروری است). وجود مولکول‌های هوا با توجه به آیه ۳۱ نیز قابل اثبات است، زیرا گیاهان برای رشد غیر از آب و خاک به هوا (اکسیژن)، دمای مناسب و نور (خورشید) نیاز دارند و اتمسفر زمین نقش بسزایی در مناسب نمودن دما ایفا می‌کند، بنابراین وجود مولکول‌های هوا با دو امر تشکیل روز و رشد گیاهان اثبات می‌شود. همچنین گیاهان نور مورد نیاز خود را از طریق خورشید که از مقوله آسمان و به گواه آیه قبلاً آفریده شده، دریافت می‌نمایند، از سوی دیگر ایجاد شب و روز وابسته به حرکت زمین به دور خود است، بدین ترتیب معنای راندن و حرکت که از سوی لغویان برای دحو مطرح شده بود، با سیاق تأیید می‌شود.

این پیچش و حرکت گوی زمین غیر از شکل‌گیری روز و شب به گواه علم زمین‌شناسی در گستردن خشکی‌های زمین و کوه‌زایی به شکلی خاص، نقش بسزایی ایفا می‌کند (اسدیان فلاحیه، ۱۳۹۰: ۳). بدین ترتیب عامل دیگر رشد گیاهان که همان خاک و عناصر موجود در آن است، به سرعت فراهم می‌شود، قابل توجه است خروج آب نیز گواهی دیگر بر وجود مولکول‌های اکسیژن است.

تزکیه آن پرداخته، اما مقدمه این مراحل همان شکل‌گیری شرایط مادی برای زندگی انسان بر روی زمین است که در ماده طحو این موارد نهفته شده است، چراکه در ادامه قوم ثمود را مثال می‌زند که به گواه قرآن از شرایط مادی بسیار مناسبی برخوردار بودند (الأعراف/۷۴) و (الشعراء/۱۴۷-۱۴۹) ایشان به‌عنوان جانشینان قوم عاد هستند (الأعراف/۷۴) که به‌عنوان برترین‌ها از نظر امکانات مادی معرفی شده‌اند ﴿إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْنَا الْمُرْسَلِينَ كَاذِبِينَ يُخْلِقُونَ مِثْلَ مَا فِي الْأَرْضِ﴾ (الفجر/۸).

تفاوت سیاق دو ماده طحو و دحو

براساس سیاق تفاوت به مراحل و مراتب آمادگی شرایط و مهیا بودن امکانات برای زندگی انسان بازمی‌گردد در آیه دحو (النازعات/۳۰) و آیات بعد آن مراحل اولیه تکوین زمین و مهیا شدن امکانات مادی برای بروز حیات به صورت خروج آب و رشد گیاهان پایه کوتاه، شکل‌گیری کوه‌ها و سرانجام حیات جانوری و انسانی بیان شده است که حرکت زمین در دو حالت دورانی و انتقالی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در ساماندهی شرایط مناسب زیست است.

در سوره الشمس قسم‌ها نشان می‌دهد سیر مراحل آمادگی زمین (خشکی‌ها و اقیانوس‌ها) برای حیات مادی تکمیل گشته و انسان‌ها از نظر شرایط مادی در رفاه بوده که شامل بسط، تسطیح و وسعت یافتن از هر جهت است. آیات پس از طحو به ذکر امکانات فرامادی برای بروز حیات معنوی و رشد این بعد انسانی پرداخته‌اند. این امکانات شامل نفس و تسویه قوای آن، الهام شر (بزه‌کاری) و خیر (پرهیزکاری)، تزکیه، ارسال پیامبر و معجزات است، در واقع سوره الشمس در ابتدا امکانات گسترده مادی فراهم شده برای حیات را یادآوری نموده و در ادامه به امکانات معنوی و فرامادی پرداخته که حیات و رویش معنوی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. جمع هر دو نیاز مادی و فرامادی در این سوره آشکار است و قوم ثمود به‌عنوان نمونه‌ای مطرح می‌شوند که با وجود برخورداری از هر دو نوع امکانات در مسیر سرکشی قدم نهاده و دچار عذاب شدند.

اما سیاق سوره النازعات در مقام پاسخگویی به شبهه کافران در مورد خلقت و آفرینش مجدد است. پس سیر تکوینی که به مهیا شدن شرایط زندگی و مراتب آن می‌انجامد را توضیح می‌دهد که حرکت زمین در دو حالت دورانی و انتقالی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در ساماندهی شرایط مناسب زیست است که همگی گواهی بر آفرینش سخت‌تر این امور نسبت به آفرینش انسان از دید مخاطب محسوب می‌شود. پایان سیاق مضمونی مشابه با آیات سوره الشمس دارد اگرچه به‌صورت کلی به بدعابتی سرکشان، تکذیب‌کنندگان و اهل هوای نفس پرداخته است.

نتایج

دو ماده طحو و دحو در مؤلفه‌های معنایی راندن، افکندن با تأیید لغوی و حتی روایی اشتراک دارند، همچنین با توجه به مثال‌های موجود در متون لغوی، مانند گوی‌های بازی در کتاب‌های لغت و تحلیل‌های لغوی معنای حرکت چرخشی و انتقالی را القاء می‌کنند و دیدگاه اهل لغت و مفسران مبنی بر ابدال و همانندی معنایی، صحیح است.

این پژوهش نشان می‌دهد برداشت‌های تفسیری سیری تکاملی در هر دو واژه دحو و طحو داشته‌اند، به این صورت که در ابتدا مفسران تنها معنای بسط را برای این واژگان ارائه می‌دادند، اما در ادامه با دقت در مؤلفه‌های معنایی دو واژه به تدریج معنای مهیاکردن و سپس معنای حرکت را به برداشت‌های تفسیری افزودند، در نهایت با دقت بیشتر در کاربردهای هر دو ماده، نوع حرکت، چرخشی و انتقالی بودن و نیز سبب آن را (راندن و فشار آوردن) کشف نموده و به معنای کامل‌تری دست یافتند، در تمام این موارد توجه به اشتقاق اکبر (ابدال لغوی) میان دو ماده که از سده‌های متقدم مطرح شده بود نقش بسزایی ایفا می‌کند و هرچه اقبال به این پدیده زبانی و تلاش برای کشف رابطه‌های معنایی موجود میان دو واژه یادشده افزایش یافته، مفسران دستاوردهای بیشتری داشته و موفق‌تر عمل نمودند.

تلقی حرکت انتقالی و وضعی از دو واژه طحو و دحو از سوی مفسران معاصری مانند رشید رضا، طالقانی، صادقی تهرانی، انصاریان، مکارم، میدانی، مطرح شده است، این مفسران با توجه به رابطه اشتقاق اکبر میان دو ماده و دقت بر اشتراکات مؤلفه‌های معنایی، در تفسیر دو آیه مورد بررسی، تحولی اساسی ایجاد می‌نمایند که سیاق آیات و علوم روز نیز بر صحت آن تأکید دارد.

هیچ‌کدام از مؤلفه‌های معنایی موجود در دو واژه دحو و طحو به آفریدن بازمی‌گردد بلکه به وضوح، مراحل بعد از آفرینش و آماده‌سازی شرایط، اعم از حرکت انتقالی و وضعی و شکل‌گیری شرایط مناسب برای زندگی گیاهی، جانوری و درنهایت انسان را یادآور می‌شود.

با وجود این پیشرفت‌ها، برخی مفسران فقط به ذکر همانندی معنایی این دو واژه بسنده نموده و از کشف معانی عمیق و کاربردی‌تر غافل مانده‌اند. این نقیصه باعث می‌شود که مخاطب نتواند ارتباط واضحی بین معانی واژگان و مفهوم آیه ایجاد کند.

قرار گرفتن دو واژه دحو و طحو در سیاق‌هایی با محتوا و الفاظ مشابه این رابطه معنایی را آشکارتر می‌نماید و تدقیق معنا را برای مفسر در تفسیر ترتیبی میسر می‌سازد، همچنین راهنمایی،

گیاهان و همچنین نشانی بر وجود اتمسفر مناسب است که به دنبال خود زندگی را در کره زمین از جهات مختلف امکان‌پذیر می‌کند؛ راهگشایی برای تقویت این دیدگاه است که مغفول مانده و بازتابی در تفاسیر نیافته است.

برای دریافت‌های بیشتر از آیات مرتبط با موضوع است که در تفسیر موضوعی (علمی) نیز کارآمد و راهگشا است. توجه به آیات مربوط به ایجاد شب و روز در سیاق آیات هر دو ماده مورد مطالعه، نشانه‌ای واضح برای حرکت دورانی است که عاملی مؤثر در جهت فراهم آمدن شرایط لازم، برای رویش

References

- 'Abd al-Baqi, Muhamm Fu'ad (1955). *Mu'jam al-Mufahras li-Alfaz al-Qur'an al-Karim*, Tehran: Islami Publications. (In Arabic)
- 'Abd al-Karim, 'Abd al-Qir 'Abd al-Jalil (2007-2007). *Al-Mu'jam al-Ma'yari li-Shubakat al-Fusul al-Nahwiyyah*. Amman: Dar Sufa'. (In Arabic)
- Abu al-Futuh Razi, Husayn bin 'Ali (1988). *Rawdat al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an*. Mashh: Astan Quds Razavi. (In Arabic)
- Abu Hayyan, Muhamm bin Yusuf (2000). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Abu 'Ubayd, Qasim bin Salam (1990). *Al-Gharib al-Musannaf*, edited by Muhamm Mukhtar 'Ubayd, Tunisia: Al-Mu'assasat al-Wataniyyah li al-Tarjamah wa al-Tahqiq wa al-Dirasat Bayt al-Hikmah. (In Arabic)
- Abu 'Ubaydah, Ma'mar bin al-Muthanna (1962). *Majaz al-Qur'an*. Edited by: Sezgin, Muhamm Fu'. Cairo: Maktabat al-Khanji. (In Arabic)
- Alusi, Sayyid Mahmud (1995). *Tahqiq Ali Abd al-Bari Atiyah. Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
- Amili, Shams al-Din Muhamm bin Mahmud (2002). *Nafa'is al-Funun fi 'Ara'is al-'Uyun*, edited by Hidayat Allah Mustarhami, Abu al-Hasan Sha'rani and Ibrahim Miyanji, Tehran: Al-Islamiyyah. (In Arabic)
- Amin, 'Abd Allah (2000). *Al-Ishtiqaq*, Egypt: Maktabat al-Khanji. (In Arabic)
- Ansariyan, Husayn (n.d.). *Tafsir al-Hakim*. Qom: Dar al-'Irfan. (In Persian)
- Asmar, Raji (1993). *Al-Mu'jam al-Mufasssal fi 'Ilm al-Sarf*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
- 'Ayni, Mahmud bin Ahm Br al-Din (2000). *Al-Binayyah Sharh al-Hidayah*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
- Azhari, Muhamm bin Ahm (2001). *Tahdhib al-Lughah*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Babti, 'Azizah Fawwal (1993). *Al-Mu'jam al-Mufasssal fi al-Nahw al-'Arabi*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
- Bahrani, Hashim bin Sulayman (1995). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Mu'assasat al-Ba'thah, Department of Islamic Studies. (In Arabic)
- Baidawi, 'Abd Allah bin 'Umar (1998). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (Tafsir al-Baidawi)*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Bayati, Ja'far (n.d.). *Al-Akhlaq al-Husayniyyah*, No place: Anwar al-Huda. (In Persian)
- Damin, Hatim Salih (n.d.). *Al-Sarf*. UAE: Kuliyyat al-Dirasat al-Islamiyyah wa al-'Arabiyyah. (In Arabic)
- Daylami, Hasan bin Muhamm (1992). *Irsh al-Qulub ila al-Sawab*, Qom: al-Sharif al-Ri. (In Arabic)
- Fl Allah, Muhamm Husayn (1999). *Min Wahi al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Malak. (In Arabic)
- Fakhr Razi, Muhamm bin 'Umar (2000). *Mafatih al-Ghayb*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Farahidi, Khalil (1989). *Kitab al-'Ayn*. Qom: Nashr Hijrat. (In Arabic)
- Farra', Abu Zakariyya Yahya bin Ziy (1980). *Ma'ani al-Qur'an*. Edited by: Ahm Yusuf Najati, Muhamm 'Ali Najjar, 'Abd al-Fattah Isma'il Shalaby. Egypt: Dar al-Misriyyah li al-Ta'lif wa al-Tarjamah. (In Arabic)
- Farzaneh, Babak (2015). *Mufrat-i Qur'an*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Fayd Kashani, Mulla Muhsin bin Shah Murta (1995). *Tafsir al-Safi*. Edited by: Husayn A'lami. Tehran: Maktabat al-Sr. (In Arabic)
- Fayd, Abu al-Fayd bin Mubarak (1997). *Sawati' al-Ilham fi Tafsir Kalam al-Malik al-'Allam*. Qom: Dar al-Manar. (In Arabic)
- Fayyumi, Ahm bin Muhamm (1994). *Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir li al-Rafi'i*. Qom: Dar al-Hijrah. (In Arabic)
- Firuzabi, Muhamm bin Ya'qub (1995). *Al-Qamus al-Muhit*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. (In Arabic)
- Firuzabi, Muhamm bin Ya'qub (1996). *Basa'ir Dhawi al-Tamyiz fi Lata'if al-Kitab al-'Aziz*. Cairo: Al-Majlis al-A'la li al-Shu'un al-Islamiyyah. (In Arabic)
- Helli, Muhamm bin Yusuf (1994). *Thkirat al-*

- Fuqaha'*. Qom: Mu'assasat Al al-Bayt 'alayhim al-Salam li Ihya' al-Turath. (In Arabic)
- Ibn 'Abd al-Salam, 'Abd al-'Aziz (2009). *Tafsir al-'Izz bin 'Abd al-Salam*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Ibn Abi al-Hid, Abd al-Hamid bin Hibat Allah (1984). *Sharh Nahj al-Balaghah li-Ibn Abi al-Hid*. Qom: No publisher. (In Arabic)
- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman bin Muhammad (1999). *Tafsir al-Qur'an al-'Azim*. Edited by: As Muhammad Tayyib. Riyadh: Maktabat Nizar Mustafa al-Baz. (In Arabic)
- Ibn 'il al-Dimashqi, Abu Hafs Siraj al-Din 'Umar (1999). *Al-Lubab fi 'Ulum al-Kitab*. Edited by: 'il Ahm 'Abd al-Mawjud, Ali Muhammad Mu'aww. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Ibn 'il, 'Umar bin 'Ali (1999). *Al-Lubab fi 'Ulum al-Kitab*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Ibn al-Athir Jazari, Mubarak bin Muhammad (1988). *Al-Nihayah fi Gharib al-Hith wa al-Athar*, edited by Mahmud Muhammad Tanahi. Qom: Mu'assasat al-Matbu'at al-Isma'iliyyah. (In Arabic)
- Ibn al-Jawzi, 'Abd al-Rahman bin 'Ali (2002). *Z al-Masir fi 'Ilm al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi. (In Arabic)
- Ibn 'Ashur, Muhammad bin Tahir (2000). *Al-Tahrir wa al-Tanwir*. Beirut: Mu'assasat al-Tarikh. (In Arabic)
- Ibn Durayid, Muhammad bin Hasan (1988). *Jamharat al-Lughah*. Beirut: Dar al-'Ilm li al-Malayin. (In Arabic)
- Ibn Faris, Ahm bin Faris (1984). *Mu'jam Maqayis al-Lughah*, edited by: Harun, 'Abd al-Salam Muhammad. Qom: Maktab al-'Ilam al-Islami. (In Arabic)
- Ibn Ha'im, Ahm bin Muhammad (2003). *Al-Tabyan fi Tafsir Gharib al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. (In Arabic)
- Ibn Idris, Muhammad bin Ahm (1989). *Al-Muntakhab min Tafsir al-Qur'an wa al-Nukat al-Mustakhrjah min Kitab al-Tibyan*, edited by Mahdi Rajayee and Mahmud Mara'shi. Qom: Public Library of Ayatollah al-'Uzma Mirza Shirazi. (In Arabic)
- Ibn Jinni, Abu al-Fath Uthman (2001). *Sirr Sina'at al-'Irab*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Ibn Juzayy, Muhammad bin Ahm (1996). *Al-Tashil li-'Ulum al-Tanzil*. Beirut: Sharikat Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam. (In Arabic)
- Ibn Kathir, Isma'il bin 'Umar (1999). *Tafsir al-Qur'an al-'Azim*, edited by Muhammad Husayn Shams al-Din. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, Manshurat Muhammad 'Ali Bay. (In Arabic)
- Ibn Malik, Muhammad bin 'Abd Allah (2000). *Min Dhakha'ir Ibn Malik fi al-Lughah Mas'alat min Kalam al-Imam Ibn Malik fi al-Ishtigaq*, edited by Muhammad Mahdi 'Abd al-Hay 'Ammar. Medina: Islamic University of Medina. (In Arabic)
- Ibn Manzur, Muhammad bin Mukram (1994). *Lisan al-'Arab*. Beirut: Dar al-Sir. (In Arabic)
- Ibn Qutaybah, 'Abd Allah bin Muslim (1991). *Tafsir Gharib al-Qur'an*. Beirut: Dar wa Maktabat al-Hilal. (In Arabic)
- Ibn Qutaybah, 'Abd Allah bin Muslim (2003). *Al-Shi'ra wa al-Shu'ara'*. Cairo: Dar al-Hith. (In Arabic)
- Ibn Shu'bah Harrani, Hasan bin Ali (1984). *Tuhaf al-'Uqul*. Qom: No publisher. (In Arabic)
- Ibn Sida, Ali bin Isma'il (2001). *Al-Muhkam wa al-Muhit al-A'zam*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Iskandarani, Muhammad bin Ahm (2010). *Kashf al-Asrar al-Nuraniyyah al-Qur'aniyyah*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Jabr, Yahya 'Abd al-Ra'uf (2009). *Asma' al-Zaman fi al-Qur'an al-Karim (Dirasat Dalaliyyah)*. Palestine: An-Najah National University, Graduate School. (In Arabic)
- Jaw' Ali (2002). *Al-Mufasssal fi Tarikh al-'Arab Qabl al-Islam*. No place: Dar Saqqi. (In Arabic)
- Jawhari, Isma'il bin Hamm (1956). *al-Sihah*. Beirut: Dar al-'Ilm li al-Malayin. (In Arabic)
- Jazairi, Abu Bakr Jabir (1996). *Aysar al-Tafasir li Kalam al-'Ali al-Kabir*. Medina: Maktabat al-'Ulum wa al-Hikam. (In Arabic)
- Jazairi, Ni'mat Allah bin 'Abd Allah (2009). *'Uqud al-Marjan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Nur Wahyi. (In Arabic)
- Jurjani, al-Sharif (1951). *al-Ta'rifat*, Tehran: Nasir Khusraw. (In Arabic)
- Kaffawi, Abu al-Baq'a' (n.d.). *Al-Kulliyat Mu'jam fi al-Mustalahat wa al-Furuq al-Lughawiyyah*, edited by: 'nan Darwish, Misri, Muhammad. Beirut: Mu'assasat al-Risalah. (In Arabic)
- Karmelli, Anas Marie (1938). *Nushu' al-Lughah al-'Arabiyyah wa Numuwuha wa Iktihaliha*. Egypt: Al-Matba'ah al-'Asriyyah. (In Arabic)
- Kashani, Fath Allah bin Shukr Allah (1881). *Minhaj al-Siqin fi Ilzam al-Mukhalifin*. Tehran: Kitabfurushi-yi Islamiyyah. (In Arabic)
- Kharramdel, Mustafa (2005). *Tafsir Nur*. Tehran: Ihsan. (In Persian)
- Khasarah, Mamduh Muhammad (2018). *Mu'jam al-'Abdal al-Lughawi*, Damascus: Matbu'at Majma' al-Lughah al-'Arabiyyah. (In Arabic)
- Khatib Sharbini, Muhammad bin Ahm (2004). *Al-Siraj al-Munir*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Khatib, 'Abd al-Karim (2004). *Al-Tafsir al-Qur'ani li al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Fikr al-'Arabi. (In Arabic)
- Khazin, 'Ali bin Muhammad (1995). *Tafsir al-Khazin al-*

- Musamma Lubab al-Ta'wil fi Ma'ani al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Khomeini, Mustafa (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Mu'assasat Tanzim wa Nashr Athar Imam Khomeini. (In Arabic)
- Koleyni, Muhamm bin Ya'qub (2008). *Al-Kafi*, Qom: Dar al-Hith. (In Arabic)
- Kufi, Furat bin Ibrahim (1990). *Tafsir Furat al-Kufi*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Arabic)
- Majlisi, Muhamm Baqir (1983). *Bihar al-Anwar*, edited by: A group of researchers. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Makarim Shirazi, Naser (2001). *Al-Amthal fi Tafsir Kitab Allah al-Munazzal*, Qom: Mrasat al-Imam 'Ali bin Abi Talib ('alayhi al-salam). (In Arabic)
- Makki bin Hamush (2008). *Al-Hidayah ila Bulugh al-Nihayah*. Sharjah: University of Sharjah. (In Arabic)
- Maraghi, Ahm Mustafa (n.d.). *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Ma'rifat, Muhamm Hi (1998). *Al-Tafsir wa al-Mufasssirun fi Thawbihi al-Qashib*. Mashh: Al-Jami'ah al-Rawiyyah li al-'Ulum al-Islamiyyah. (In Arabic)
- Marvardi, Ali Asghar (1990). *Silsilat al-Yanabi' al-Fiqhiyyah*, Beirut: Al-Dar al-Islamiyyah. (In Arabic)
- Mawardi, Ali bin Muhamm (n.d.). *Al-Nukat wa al-'Uyun Tafsir al-Mawardi*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Persian)
- Maydani, 'Abd al-Rahman Hasan Habannakah (1982). *Ma'arij al-Tafakkur wa Daqa'iq al-Tabbur*, Damascus: Dar al-Qalam. (In Arabic)
- Mudarrisi, Muhamm Taqi (1999). *Min Huda al-Qur'an*. Tehran: Dar Muhibbi al-Husayn. (In Arabic)
- Mufid, Muhamm bin Muhamm (1993). *Al-Irsh fi Ma'rifat Hujaj Allah 'ala al-'Tb*, edited by Mu'assasat Al al-Bayt 'alayhim al-Salam. Qom: Mu'tamar-i Shaykh Mufid. (In Arabic)
- Muqatil bin Sulayman, Balkhi (2003). *Tafsir Muqatil bin Sulayman*, edited by: 'Abdullah Mahmud Shihata. Beirut: Dar Ihya' al-Turath. (In Arabic)
- Murta Zabaidi, Muhamm bin Muhamm (1994). *Taj al-'Arus*, edited by: Shiri, 'Ali. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Mustafa Muslim (2005). *Mabahith fi I'jaz al-Qur'an*. Damascus: Dar al-Qalam. (In Arabic)
- Mustafawi, Hasan (2009). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Muzni, Ali bin Fl (2011). *Huruf al-Hijā'*, edited by Ashraf Muhamm Qassas. No place: Dar al-Nashr li al-Jami'at. (In Arabic)
- Nahar, Hi (2010). *Al-Sarf al-Wafi*. Jordan: 'Alam al-Kutub al-Hith. (In Arabic)
- Nahas, Ahm bin Muhamm (2000). *I'rab al-Qur'an (Nahas)*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Nasafi, 'Abdullah bin Ahm (1996). *Marik al-Tanzil wa Haqa'iq al-Ta'wil*. Beirut: Dar al-Nafa'is. (In Arabic)
- Nowwi, Abu Zakariyya Muhyi al-Din (n.d.). *Tahdhib al-Asma' wa al-Lughat*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Qummi Mashhi, Muhamm bin Muhamm Rida (1989). *Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Arabic)
- Qummi, Shaykh Abbas (2010). *Kuliyyat Mafatih al-Jinan*, edited by: Rahiminia, Mustafa. Tehran: Pars Kitab. (In Arabic)
- Qurtubi, Muhamm bin Ahm (1985). *Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Nashr-i Nuskhah. (In Arabic)
- Qutb, Sayyid (2004). *Fi Zilal al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Shuruq. (In Arabic)
- Raghib Isfahani, Husayn bin Muhamm (1992). *Mufrat Alfaz al-Qur'an*, edited by: Safwan 'nan Dawudi. Beirut: Dar al-Qalam. (In Arabic)
- Ramani, Abu al-Hasan (2005). *Risalat al-Hudud*, edited by Ibrahim al-Samarra'i. Amman: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Riza Nej, Gholam Hossein (2004). *Tamhid al-Mabani*. Tehran: Al-Zahra'a. (In Persian)
- Riza, Muhamm Rashid (1994). *Al-Manar*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. (In Arabic)
- Sabuni, Muhamm 'Ali (2001). *Safwat al-Tafasir*. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Sa'di, 'Abd al-Rahman (1988). *Taysir al-Karim al-Rahman fi Tafsir Kalam al-Mannan*. Beirut: Maktabat al-Nahdat al-'Arabiyyah. (In Arabic)
- Siq Tehrani, Muhamm (1986). *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an bi al-Qur'an wa al-Sunnah*, Qom: Farhang-i Islami. (In Arabic)
- Siq Tehrani, Muhamm (1999). *Al-Balaghah fi Tafsir al-Qur'an bi al-Qur'an*, Qom: Maktabat Muhamm al-Siq al-Tehrani. (In Arabic)
- Safi, Salah al-Din Khalil bin Aybak (1987). *Tashih al-Tashif wa Tahrif al-Tahrif*, edited by: Sayyid Shuraqi. Cairo: Maktabat al-Khanji. (In Arabic)
- Sahib bin 'Abb, Isma'il bin 'Abb (1994). *Al-Muhit fi al-Lughah*, edited by: Al Yasin, Muhamm Hasan. Beirut: 'Alam al-Kutub. (In Arabic)
- Sa'idi, 'Abd al-Razzaq (n.d.). *Abu Turab al-Lughawi wa Kitabuhu al-I'tiqab*. Medina: Majallat al-Jami'ah

- al-Islamiyyah bi al-Minah al-Munawwarah. (In Arabic)
- Sajistani, Muhamm bin 'Aziz (1990). *Nuzhat al-Qulub fi Tafsir al-Qur'an al-'Aziz*, edited by: Mara'shli, Yusuf 'Abd al-Rahman. Beirut: Dar al-Ma'rifah. (In Arabic)
- Sakkaki, Yusuf bin Abi Bakr (1987). *Miftah al-'Ulum*, edited by Na'im Zarzur. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Salih, Subhi (1960). *Dirasat fi Fiqh al-Lughah*. Beirut: Dar al-'Ilm li al-Malayin. (In Arabic)
- Samarqandi, Nasr bin Muhamm bin Ahm (n.d.). *Bahr al-'Ulum*, edited by: Abu Sa'id, 'Umar bin Ghulamhasan 'Amrawi. Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Samin, Ahm bin Yusuf (1994). *Al-Durr al-Masun fi 'Ulum al-Kitab al-Maknun*, edited by Ahm Muhamm Sabrah. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah, Manshurat Muhamm 'Ali Baydun. (In Arabic)
- Sayyid Karimi Husayni, 'Abbas (1969). *Tafsir 'Illyyin*. Qom: Uswah. (In Persian)
- Shams, Muri 'Ali (2012). *Ba 'Allamah Tabataba'i dar Majma' al-Bayan az Manzar-i Paresh va Pasukh*. Qom: Nashr-i Za'ir. (In Persian)
- Shawkani, Muhamm (1994). *Fath al-Qir*. Damascus: Dar Ibn Kathir. (In Arabic)
- Shaybani, Ishaq bin Mararr (1975). *Kitab al-Jim*, edited by: Ibiari, Ibrahim. Cairo: Al-Hay'ah al-'Ammah li Shu'un al-Matabi' al-Amiriyyah. (In Arabic)
- Shinqiti, Muhamm Amin (2006). *wa' al-Bayan fi Idah al-Qur'an bi al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Siddiq Hasan Khan, Muhamm Siddiq (2000). *Fath al-Bayan fi Maqasid al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Sorur, Ibrahim Husayn (2009). *Al-Mu'jam al-Shamil li al-Mustalahat al-Diniyyah wa al-'Ilmiyyah*. Beirut: Dar al-Hi. (In Arabic)
- Suyuti, 'Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1984). *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma'thur*. Qom: Maktabat al-'Ummiyyah li al-Sayyid al-Mar'ashi al-Najafi. (In Arabic)
- Tabari Amoli Saghir, Muhamm bin Jarir bin Rustam (1993). *Dala'il al-Imamah*. Qom: Al-Ba'thah. (In Arabic)
- Tabari, Abu Ja'far Muhamm bin Jarir (1992). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. (In Arabic)
- Tabari, Fl bin Hasan (1992). *Tafsir Jawami' al-Jami'*, edited by Abu al-Qasim Gurji. Qom: Hawzah-yi 'Ilmiyyah-yi Qom, Markaz-i Mudiriyyat. (In Arabic)
- Tabari, Fl bin Hasan (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasir Khusraw. (In Arabic)
- Tabataba'i, Sayyid Muhamm Husayn (1997). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Daftar-i Intisharat-i Islami Jami'at-i Mudarrisin-i Hawzah-yi 'Ilmiyyah-yi Qom. (In Arabic)
- Tahanawi, Muhamm 'Ali (1996). *Kashshaf Istilahat al-Funun wa al-'Ulum*, edited by Ali Dahruj. Beirut: Maktabat Lubnan Nashirun. (In Arabic)
- Taliqani, Mahmud (1983). *Partovi az Qur'an*. Tehran: Sharikat-i Sahami-yi Intishar. (In Persian)
- Tantawi, Muhamm Sayyid (1997). *Al-Tafsir al-Wasit li al-Qur'an al-Karim*. Cairo: Nahdat Misr. (In Arabic)
- Tha'alibi, 'Abd al-Malik bin Muhamm (1994). *Fiqh al-Lughah wa Sirr al-'Arabiyyah*, edited by: Talbah, Jamal. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Tha'alibi, 'Abd al-Rahman bin Muhamm (1998). *Jawahir al-Hisan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Tha'labi Naysaburi, Ahm bin Ibrahim (2002). *Al-Kashf wa al-Bayan 'an Tafsir al-Qur'an*, edited by: Abu Muhamm bin 'Ashur. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Toreihi, Fakhr al-Din bin Muhamm (1996). *Majma' al-Bahrayn*, edited by: Husayni Ishkavari. Tehran: Murtawi. (In Arabic)
- Tusi, Muhamm bin Hasan (1994). *Al-Amali*. Qom: Dar al-Thaqafah. (In Arabic)
- Tusi, Muhamm bin Hasan (2007). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah*, edited by Muhamm Baqir Behbudi and Muhamm Taqi Kashfi. Tehran: Maktabat al-Murtawiyyah. (In Arabic)
- Tusi, Muhamm bin Hasan (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*, edited by: Ahm Qasr 'Amili. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. (In Arabic)
- Ya'qub, Emil (n.d.). *Mawsu'at al-Nahw wa al-Sarf wa al-I'rab*, no place: no publisher. (In Arabic)
- Ya'qub, Emil and Asmar, Raji. (1993-1993). *Al-Mu'jam al-Mufasssal fi 'Ilm al-Sarf...* Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Yazidi, 'Abdullah bin Yahya (1985). *Gharib al-Qur'an wa Tafsiruh*. Beirut: 'Alam al-Kutub. (In Arabic)
- Za'blawi, Salah al-Din (n.d.). *Dirasat fi al-Nahw*, no place: Mawqi' Ittih Kuttat al-'Arab. (In Arabic)
- Zamakhshari, Mahmud bin 'Umar (1979). *Asas al-Balaghah*. Beirut: Dar al-Sir. (In Arabic)
- Zamakhshari, Mahmud bin 'Umar (1987). *Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi. (In Arabic)
- Zamakhshari, Muhamm bin 'Umar (1997). *Al-Fa'iq fi Gharib al-Hith*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.

(In Arabic)

Zayd bin 'Ali, Hasan bin Muhamm (1992). *Tafsir Gharib al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Hamra'. (In Arabic)

Article

Asadyan Falahieh, Mohammadhassan, (2011), *Geo Dinamik az didgah Dahu al-Ardh*, gardahamiye Olume Zamine, code COI ekhtesasi: GSI30.